

تحوّلات حفظ صلح در سازمان ملل متحد: حفظ صلح، ایجاد صلح، تحکیم صلح

علیرضا ابراهیم گل*

چکیده

عدم تحقق مقررات مربوط به سیستم امنیّت جمعی منشور ملل متحد و لزوم پاسخگویی به تهدیدات صلح و امنیّت بین‌المللی از ناحیه مخاصمات بین‌المللی یا داخلی، مفهومی تحت عنوان «حفاظت از صلح» را پدید آورد. در پرتو این مفهوم، ماموریت‌هایی انجام شد که هدف از آن توقف موقت مخاصمات میان طرف‌های درگیر و فراهم آوردن فضایی برای گفتگو و مذاکره برای نیل به توافق صلح بود، مأموریت‌هایی با ترکیبی عمدتاً نظامی که در طیفی از فعالیتهای منحصراً نظامی تا فعالیتهای غیر نظامی نوسان داشت. اعاده صلح در این مفهوم تنها بخشی از راه دشوار نیل به صلح بود و «ایجاد صلح» گام دیگری در این راه تلقی می‌شد. در چارچوب این مفهوم سعی بر آن بود که از طریق توسل به ابزارهای دیپلماتیک، اقناع طرفین درگیر به توقف مخاصمات حاصل آمده و انعقاد پیمان صلح ممکن شود. اما حفظ صلح و ایجاد صلح نتوانستند مانع وقوع مخاصمات شوند و اینجا بود که مفهومی تحت عنوان «تحکیم صلح» سر برآورد. مفهومی که حلقه‌نهایی زنجیره انتقال از جنگ به صلح شمرده شده و نشانگر توجه نظام ملل متحد به ریشه‌ها و علل واقعی مخاصمات و منبعث از رویکردهای نوین به صلح و امنیّت یعنی «فرهنگ صلح» و «امنیت انسانی» است.

کلیدی واژگان حفظ صلح، ایجاد صلح، نسل‌های حفاظت از صلح، تحکیم صلح، کمیسیون تحکیم صلح.

*- دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

نوشته حاضر به دنبال آن است که با ترسیم شمایی از آنچه که در سازمان ملل متحد تحت عنوان «حفاظت از صلح» یاد می‌شود به بررسی تحولات این مفهوم در چارچوب سازمان مزبور پرداخته و رابطه میان آن مفاهیم با یکدیگر را تبیین نماید. بدین منظور ارائه تعریف، مطالعه پیشینه و مبانی حقوقی حاکم بر ماموریت‌های حفظ صلح ملل متحد و وظایف آنها ضروری به نظر می‌رسید تا درک بهتر تفاوت این ماموریت‌ها با ماموریت‌های دیگری که در چارچوب مفاهیمی همچون ایجاد صلح یا تحکیم صلح انجام می‌شوند، میسر شود. آخرین تلاش نظام ملل متحد در مجموعه اقداماتش برای حفظ و برقراری صلح، تاسیس کمیسیون به نام «کمیسیون تحکیم صلح» است که نشانگر افزایش توجه آن نظام به حفظ صلح و بنیان‌های تداوم بخش آن است.

حفظ صلح^(۱)

عده‌ای حفظ صلح را به کارگیری مسالمت‌آمیز نیروی نظامی جهت کمک به فرآیند سیاسی و خرید زمان برای دیپلماسی تعریف کرده‌اند که هدف اصلی آن، حفظ وضع موجود^(۲) است برخی دیگر نیز آن را تجلی اراده جامعه بین‌المللی برای پیشگیری یا توقف یک مخاصمه می‌دانند. آکادمی بین‌المللی صلح از «حفظ صلح» تعریف ذیل را ارائه می‌دهد.

پیشگیری، مهار، تخفیف و پایان بخشیدن به مخاصمات بین‌المللی یا داخلی از طریق مداخله مسالمت‌آمیز یک شخص ثالث با استفاده از نیروی نظامی بین‌المللی، پلیس و غیر نظامیان برای اعاده و حفظ صلح^(۳)

آقای پطروس غالی، دبیر کل اسبق ملل متحد، حفظ صلح را تکنیکی می‌داند که امکان جلوگیری از درگیری و برقراری صلح را افزایش می‌دهد.^(۴)

1- Peacekeeping

2- Status quo

3- Hill. Sphen. M and Malik. Shahin. P, Peacekeeping and The United Nation, Cambridge University press, 1996, p. 21

۴- احمدی، کوروش، شکل‌گیری و تکوین عملیات حفظ صلح، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷، ص ۸۴

در چارچوب سازمان ملل متحد، عملیات حفظ صلح نوعی تحول و دگرگونی در استفاده از نیروهای نظامی است؛ منشور، استفاده از نیروی نظامی را در مواد ۴۷-۴۲ پذیرفته است یعنی عملیات قهری با فرماندهی کمیته ستاد نظامی یا بهره‌گیری از نیروهایی که طبق موافقتنامه‌های مندرج در ماده ۴۳ در اختیار شورای امنیت قرار می‌گیرند. با آغاز جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب، انعقاد موافقتنامه‌های مذکور میسر نگردید و عملیات قهری‌ای که پس از جنگ دوم توسط سازمان انجام شد نیز عملیات به مفهوم پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور نبود، لذا می‌توان گفت که «حفظ صلح» در اثر شکست شورای امنیت در استفاده از اختیارات اجرایی خود طبق فصل هفتم منشور یا به عرصه نهاد^(۵) و زاییده نیاز جامعه بین‌المللی برای کنترل منازعات بین‌المللی بود و به گفته پروفیسور توماس فرانک ویزگی سازگاری یابنده منشور [در قبال وقایع بیرونی] به گونه‌ای عمل کرد که توانست خلاء عدم تحقق ماده ۴۳ را پر کند.^(۶)

در خصوص مبنا و پایگاه حقوقی مفهوم «حفظ صلح»، عده‌ای مبنای حقوقی تشکیل نیروهای حفظ صلح را در فصل ششم منشور دانسته و براین باورند که ماده ۳۴ متضمن اختیارات وسیعی است که شورای امنیت به موجب آن می‌تواند به تاسیس یک رکن فرعی طبق ماده ۲۹ اقدام کند، رکنی که می‌تواند مرکب از پرسنل نظامی نیز باشد. برعکس عده‌ای دیگر همچون خانم رزالین هیگینز معتقدند مقررات فصل ششم منشور نمی‌تواند مبنای ایجاد نیروهای حافظ صلح باشد زیرا اینگونه نیروها پس از احراز وجود تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، جهت کمک به حل اختلاف از طریق کنترل و محدود کردن آن تشکیل شده‌اند. این در حالیست که در چارچوب فصل ششم خطر بالفعلی برای صلح و امنیت بین‌المللی وجود ندارد. وی معتقد است که مبنای این گونه عملیات در ماده ۴۰ منشور است. بدین ترتیب که پس از احراز وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا تجاوز، شورای امنیت توصیه‌هایی خواهد کرد یا تصمیم می‌گیرد که چه اقداماتی باید برای حفظ صلح یا اعاده آن طبق مواد ۴۱ و ۴۲ انجام

۵- شایگان، فریده، عملیات حفظ صلح ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه ۱۳۷۲، ص ۵.
6- Carter. Barry. E, Trimble. Philip. R, Bradley. Curtis. A, International Law, Aspen Publishers, Fourth edition, 2001, P. 1027.

شود. به موجب ماده ۴۰، شورا می‌تواند از طرفین ذینفع بخواهد که اقدامات موقتی را که تشخیص می‌دهد انجام دهند. منشور به نوع این اقدامات اشاره نمی‌کند و تنها هدف از آنها را بر می‌شمرد. اقداماتی همچون آتش بس، ترک مخاصمه، دستورات موقت راجع به نقل و انتقال افراد و تسلیحات و ممکن است یک نیروی حافظ صلح نیز به منظور نظارت بر اجرای این اقدامات یا مساعدت به اجرای آن توسط دو طرف تشکیل گردد.^(۷) گروه ناظر ملل متحد در ایران و عراق صریحاً براساس مواد ۳۹ و ۴۰ تشکیل و اعزام شد. همین عدم اشاره صریح به مفهوم حفظ صلح در منشور و مباحثات مربوط به مبنای چنین اقدامی موجب شده بود که تا دهه ۹۰ عملیات حفظ صلح در حد واسطه فصل ششم و هفتم قرار گیرد و به قول دبیرکل فقید ملل متحد آقای داگ هامرشولد، در فصل جدیدشش و نیم جای گیرد زیرا این اقدامات کمتر از آن چیزی بود که مقررات فصل هفتم ایجاب می‌کرد و از سوی دیگر فراتر از اقدامات دیپلماتیک و آنهایی بود که در فصل ششم از آنها سخنی به میان آمده است.^(۸)

از سوی دیگر از آنجایی که به موجب ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد و نه مسئولیت انحصاری، مجمع عمومی نیز مطابق مواد ۱۰، ۱۱ و ۲۲ می‌تواند اقداماتی را در جهت حفظ صلح انجام دهد که یکی از اینگونه اقدامات می‌تواند تشکیل یک نیروی حافظ صلح باشد.^(۹) تشکیل این نیروها همچنین با توجه به تئوری «اختیارات ضمنی» که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خویش در قضیه «ترمیم خسارات» به آن اشاره کرد نیز قابل توجیه است.

وظایف این نیروها، بسته به نوع مخاصمات (بین‌المللی یا داخلی) متفاوت بود. در

۷- شایگان، فریده، پیشین، ص ۴۰-۵۳ به نقل از:

Higgins. Rosalyn, United Nation Peacekeeping, 1946-67: Documents and Commentary, Oxford University Press, 1981, pp. 143-144.

8- Zwanenburg. Marten, Accountability of Peace Support Operation, Martinus Nijhoff Publication, 2005, p. 12.

۹- تشکیل UNEF نمونه‌ای از این اقدامات است.

مخاصصات نوع نخست، این نیروها وظایفی همچون نظارت بر آتش بس، متارکه،^(۱۰) کنترل مرزها،^(۱۱) هدایت عقب نشینی نیروهای متخاصم به مواضع قبل از آغاز درگیری،^(۱۲) نظارت بر مبادله اسرای جنگی و وظایف شبه قضایی^(۱۳) و در مخاصصات نوع دوم، این نیروها وظایفی همچون انجام مأموریت‌های امنیتی در منطقه تحت کنترل ملل متحد،^(۱۴) مساعدت به حفظ نظم و اجرای قانون در کشور،^(۱۵) تضمین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی^(۱۶) و وظایف بشر دوستانه^(۱۷) را برعهده داشتند.

اقدامات سازمان ملل در تشکیل و به کارگیری نیروهای حافظ صلح به روشهای گوناگونی تقسیم بندی شده‌اند. عده‌ای آنها را با تقسیم این فعالیتها به سه دوره زمانی

۱۰- UNTSO سازمان نظارت بر ترک مخاصمه ملل متحد که وظیفه آن نظارت بر آتش بس و مساعدت به کمیسیونهای مختلط در اجرای موافقتنامه‌های آرمیستیس میان مصر، سوریه، اردن و لبنان با اسرائیل بود.

۱۱- گروه نظارت ملل متحد در لبنان به منظور جلوگیری از نقوذ غیر قانونی افراد مسلح یا مهمات از مرزها به خاک لبنان اقدام به افزایش پستهای ثابت مرزی و بازدیدهای هوایی از وضعیت طرفین مخاصمه نمود.

۱۲- وظیفه اولین نیروی اضطراری ملل متحد (UNEF I) تضمین و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروهای مسلح غیر مصری از سرزمین مصر بود. همچنین هیئت نظارت سازمان ملل متحد در هند و پاکستان (UNIPOM) موظف به هدایت عقب نشینی تمام افراد مسلح، به مواضع قبل از اوت ۱۹۶۵ بود.

۱۳- UNTSO در مورد صدور اجازه برداشت محصول توسط غیر نظامیان در منطقه حائل تا نیمه خط مزبور یا رسیدگی به مالکیت اموال واقع در ناحیه اطراف مقر دولت در بیت المقدس طبق قطعنامه ۲۲ ژوئن ۱۹۵۸ اقدام می‌کرد.

۱۴- پس از انعقاد معاهده ۱۹۶۲ فیما بین هلند و اندونزی در مورد ایرپان غربی طبق ماده ۲ این معاهده، اداره موقت این سرزمین به اداره موقت ملل متحد سپرده شد. طی مدتی که ایرپان غربی تحت کنترل سازمان قرار داشت و تا زمان انتقال اداره آن سرزمین به اندونزی، این نیرو عهده دار هر دو نقش پلیس و ارتش به منظور دفاع از سرزمین مزبور و تامین امنیت داخلی آن بود.

۱۵- نیروی حافظ صلح در کنگو (UNOC) و نیروی حافظ صلح ملل متحد در قبرس.

۱۶- این امر عمده‌ترین وظیفه UNOC بود.

۱۷- اقدامات نیروی حافظ صلح ملل متحد در قبرس برای تأمین آب و برق، ارائه خدمات درمانی اضطراری، کمک به سکنه نواحی واقع در دو طرف منطقه حائل در برداشت محصول زمین خود که در طرف دیگر آن منطقه قرار داشت، حفاظت از قبرسی‌های یونانی در هتلی واقع در شهر کی رنیا به هنگام پیشروی نیروهای ترک در غرب این شهر، کمک به تخلیه اتباع بیگانه به یک پایگاه نظامی بریتانیا در کلیا. یونیفیل در لبنان با همکاری یونیسف و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به توزیع غذا، آب و سایر مایحتاج ضروری میان اهالی نیازمند منطقه و واکسیناسیون کودکان لبنانی، انجام تعداد زیادی عمل جراحی توسط تیم پزشکی خویش و تعمیر اماکن عمومی نظیر مدارس و داروخانه‌ها اقدام کرد.

تولد،^(۱۸) کسب اعتماد به نفس،^(۱۹) و تحول^(۲۰) مورد مطالعه قرار می‌دهند^(۲۱) و عده‌ای هم با توجه به ویژگیهای آن اقدامات همچون متنوع شدن و افزایش کمی و کیفی ماموریتها در طول زمان آنها را به نسل‌های اول و دوم تقسیم‌بندی می‌کنند. هر دو تقسیم‌بندی به عنصر زمان متکی بوده و بر یکدیگر منطبق می‌شوند. منتهی از آنجایی که مطالعه ما به دنبال نشان دادن تحول در این ماموریتهاست، ما تقسیم‌بندی نوع دوم را برگزیده‌ایم.

نسل‌های حفاظت از صلح

نسل اول ماموریتهای حفظ صلح

واژه «نسل»^(۲۲) بر ماهیت در حال تغییر ماموریتها تاکید می‌کند و نه صرفاً بر دوره زمانی که آغاز شده‌اند و حاکی از تغییر آشکار در عملیات است؛ یعنی از اقدامات موقت تا تلاش برای برقراری صلح پایدار، و ماموریتهای اساساً نظامی تا ماموریتهای عمدتاً سیاسی نوسان دارد. این تقسیم‌بندی، خشک و غیر قابل انعطاف نیست و ممکن است ماموریتی طی دوره زمانی موسوم به نسل اول اما با ویژگیهای نسل دوم انجام شده باشد و در مقطعی هر دو نسل کنار هم وجود داشته باشند یا یک عملیات طی زمان به عملیات مشمول نسل بعدی تحول یابد، اگر چه عملیات نسل دوم چه از نظر ترکیب و ماموریتها، ویژگی چند بعدی دارد و ممکن است با توجه به مفاد توافق صلح فیما بین طرفهای درگیر، در طیفی از فعالیتهای منحصرأ نظامی تا فعالیتهای منحصرأ غیر نظامی قرار گیرند^(۲۳)

نسل اول فعالیتهای حفظ صلح آن دسته عملیاتی هستند که در آن مهمترین ارگان

18- Birth Period

19- Assertive period

20- Evolution period

21- Hill. and Shahin, op. cit, pp. 27-48.

22- Generation

23- Ratner, Steven. R, The New UN Peacekeeping, building peace after the cold war. MacMillan Press Ltd., 1995, p. 17

سیاسی سازمان به اعزام و استقرار نیرو میان ارتشهای متخاصم و با رضایت آنها تا زمان حصول به یک راه حل سیاسی اقدام می‌کند. تشکیل و استقرار این نیروها تابع یک سری اصول اساسی است همچون رضایت دولت میزبان، بیطرفی و عدم توسل به زور جز در حالت دفاع مشروع.

اصل نخست، شرط لازم و اولیه جهت استقرار و ادامه فعالیت نیروهای حافظ صلح در یک سرزمین است که از ماهیت عملیات حفظ صلح یعنی غیر قهری بودن آن ناشی می‌شود و با استرداد آن، تداوم حضور آن نیروها در یک سرزمین فاقد مبنای حقوقی است. همچنانکه وقتی در ۱۷ می ۱۹۶۷ دولت مصر خواستار خروج یونف (UNEF) از غزه و سینا شد، او تانت دبیرکل وقت ملل متحد با درخواست مصر موافقت کرد و نیروهای یونف از مصر خارج شدند.^(۲۴) تردیدی نیست که کسب رضایت مزبور در مخاصمات بین‌المللی ضروری است. اما در مخاصمات داخلی گفته شده که کسب رضایت طرفهای غیر دولتی لازم نیست همچنانکه اعزام نیروی موقت ملل متحد به لبنان (یونیفیل) نشان داد. شورای امنیت در این مورد در قطعنامه خویش صرفاً به رضایت دولت لبنان اشاره می‌ند، هرچند دولت لبنان بر بخش اعظمی از قلمروی خویش کنترل نداشت. در قبرس نیز، شورای امنیت در تمديد ماموریت نیروهای ملل متحد در قبرس^(۲۵) به رضایت آن دولت استناد کرد هرچند بخش اعظم این جزیره در کنترل تشکیلات مورد حمایت ترکیه بود. با این حال جلب همکاری بازیگران غیر دولتی برای موفقیت عملیات حفظ صلح موجب شده که شورای امنیت در برخی قطعنامه‌ها به بازیگران غیر دولتی هم اشاره کند؛ چنانکه شورا در مقدمه قطعنامه ۸۷۲ خویش در خصوص تشکیل ماموریت کمک ملل متحد در رواندا^(۲۶) به این مطلب اشاره می‌کند که هم دولت جمهوری رواندا و هم جبهه میهنی رواندا بر اعزام فوری یک نیروی بین‌المللی تاکید دارند.^(۲۷)

۲۴- شایگان، فریده، پیشین، صص ۹۶-۹۱

25- UNFICYP

26- UNAMIR

27- Zwanenburg, Marten, op.cit, p. 15

مبنای اصل دوم، بند ۷ ماده ۲ منشور و قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت است. طبق این اصل نیروهای حافظ صلح به هیچ وجه نباید در امور داخلی دولت میزبان مداخله کرده یا از یکی از طرفین درگیر جانبداری کنند یا به هر نحو دیگری در موازنه سیاسی بین طرفین تاثیرگذارند چون در غیر اینصورت خود به طرفی از مخاصمه‌ای بدل می‌شوند که برای کنترل آن اعزام شده‌اند و در نتیجه حمایت و همکاری طرفین را از دست می‌دهند.^(۲۸) اگر چه در کنگو، نیروهای حافظ صلح با جانبداری از حکومت مرکزی، در واقع اصل بی طرفی را به طور کامل رعایت نکردند.^(۲۹)

راجع به اصل سوم نیز باید گفت که نظر به ماهیت غیر قهری و مسالمت آمیز اعزام نیروهای حافظ صلح، آنها صرفاً به منظور دفاع از خود و تنها به عنوان آخرین راه، مجاز به توسل به زور هستند زیرا آنها براساس این فرض اعزام می‌شوند که طرفین مخاصمه تمامی اقدامات لازم برای اجرای تصمیمات شورا را اتخاذ می‌کنند و تحت چینی شرایطی نیازی به استفاده از سلاح نیست. هر چند شورای امنیت در بند چهارم قطعنامه خویش در ارتباط با کنگو با توجه به وخامت وضع کنگو به دبیرکل اختیار می‌دهد که برای پیشبرد مقاصد نیروها تا حدی از زور استفاده کند.^(۳۰) این اصل با اصل بی طرفی رابطه نزدیک دارد زیرا رعایت بی طرفی، این نیروها را از اعمال زور بی نیاز می‌سازد.^(۳۱)

عملیات انجام شده مشمول این نسل، به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. یکی ماموریت‌های ناظر که عمدتاً مرکب از افسران فاقد سلاح بودند و دیگری عملیات حفظ صلح به معنای اخص که از واحدهای نظامی مجهز به سلاحهای سبک و پشتیبانی کارمندان دبیرخانه تشکیل می‌شدند یا ترکیبی از این دو. این نیروها عمدتاً دارای شرح وظایفی روشن و نسبتاً ساده در ارتباط با جداسازی طرفهای متخاصم و نظارت بر حسن

۲۸- شایگان، فریده، پیشین، ص ۹۹-۱۰۰

۲۹- احمدی، عباس، «حقوق بشر در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳، ص ۱۳

۳۰- مصفا، نسرین، تحول مفهوم حفظ صلح، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۰، ص ۳۷۰

۳۱- شایگان، فریده، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰

اجرای آتش بس بودند. آنچنانکه نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، نخستین مورد از این گونه عملیات، عملیات کمیسیون تحقیق UN در مورد بالکان برای تحقیق در مورد ادعاهای یونان در مورد حمایت آلبانی، بلغارستان و یوگسلاوی از چریکهای قسمت شمالی یونان است.^(۳۲) تا پایان دوره جنگ سرد و بخصوص در سالهای پایانی دهه ۸۰ بیش از ۱۵ ماموریت حفظ صلح از این دست تشکیل شدند (رک. نمودار شماره ۱). اثرات تغییرات عظیم در صحنه بین‌المللی، پایان رقابتهای جهان دو قطبی و تغییر در ماهیت مخاصمات (از بین‌المللی به داخلی) بر مفهوم حفظ صلح نیز تاثیر گذاشت و عملیات حفظ صلح به گفته آقای پرزدکویار ماهیتی تلفیقی^(۳۳) یافت و نیروهای حافظ صلح تدریجاً از حافظان وضع موجود به مجریان تغییرات مطلوب تغییر نقش دادند که این امر خود را در طیف جدیدی از فعالیتهایی که این نیروها انجام می‌دادند، نشان داد.

نمودار شماره ۱- ماموریتهای حفظ صلح ملل متحد از ۱۹۴۶-۲۰۰۴

۱۹۴۶ کمیسیون تحقیق UN در مورد بالکان (تحقیق در مورد ادعای یونان در مورد حمایت آلبانی، بلغارستان و یوگسلاوی از چریکهای قسمت شمالی یونان).

۱۹۴۸-۴۹ سازمان نظارت بر متارکه فلسطین UNTSO، گروه ناظر اعزامی UN در هند و پاکستان UNMOGIP (نظارت بر آتش بس و کمک به ترسیم خطوط متارکه میان طرفین درگیر و عادی سازی شرایط در دو سوی خط).

۱۹۵۶ اولین نیروی اضطراری ملل متحد در خاورمیانه UNEF I (حفظ و نظارت بر آتش بس).

۳۲- هر چند دیدگاه رسمی در مجموعه UN آن است که UNTSO نخستین اقدام سازمان ملل متحد در زمینه حفظ صلح بوده است.

- ۱۹۵۸ گروه نظارت سازمان در لبنان (نظارت و حصول اطمینان از عدم ورود افراد غیر قانونی به داخل لبنان).
- ۱۹۶۰ عملیات UN در کنگو ONUC (کمک به حکومت مرکزی جهت حفظ نظم و قانون، جلوگیری از تعارضات فرقه‌ای و جنگ داخلی، حفظ تمامیت ارضی کنگو، جلوگیری از مداخله خارجی و حفظ حقوق بشر)
- ۱۹۶۲ عملیات UN در ایریان غربی (اعاده نظم و قانون).
- ۱۹۶۴ نیروی حافظ صلح سازمان ملل در قبرس UNFICYP (حفظ و اعاده نظم و قانون و بازگشت شرایط عادی، کمک‌های بشردوستانه و همکاری با کمیساریای عالی پناهندگان در خصوص مسائل پناهندگان)
- ۱۹۷۳ دومین نیروی اضطراری ملل متحد در خاورمیانه UNEF II (نظارت بر آتش‌بس)
- ۱۹۷۴ نیروی سازمان ملل برای نظارت بر جداسازی منطقه جولان UNDOF (نظارت بر ایجاد منطقه حائل میان نیروهای دو کشور، آزاد سازی اسیران و کمک به صلیب سرخ در مبادله بسته‌های پستی و همراهی کودکان برای رفتن به مدرسه در طرف دیگر منطقه).
- ۱۹۷۸ نیروی موقت سازمان ملل در لبنان UNIFIL (نظارت بر عقب نشینی نیروهای اسرائیل، اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، کمک به حکومت لبنان برای بازگشت به اقتدار موثر خویش، انجام یک سری وظایف بشردوستانه برای مردم محلی).
- ۱۹۸۸ هیأت مساعی جمیل سازمان در افغانستان و پاکستان (نظارت بر عقب نشینی نیروهای خارجی و شوروی در مورد افغانستان) گروه ناظران نظامی UN در ایران و عراق UNIMOG (نظارت و هدایت عقب نشینی نیروها به مرزهای

شناخته شده بین‌المللی و ایجاد تفاهم جهت حل و فصل همه جانبه اختلافات در مورد ایران و عراق).

هیأت تحقیق UN در آنگولا، I UNAVEM (تحقیق در مورد عقب نشینی نیروهای کوبایی از آنگولا و تایید آن).

۱۹۸۹ گروه UN در کمک به انتقال نامیبیا UNTAG (انجام انتخابات آزاد و مناسب در نامیبیا). هیأت ناظر سازمان ملل در آمریکای مرکزی ONUCA (تحقیق در مورد قطع کمک به نیروهای شبه نظامی و عدم استفاده از سرزمین یک دولت برای حمله به دولت دیگر).
هیأت نظارت برای تایید انتخابات در نیکاراگوئه ONUVEN (نظارت بر صحت انتخابات).

۱۹۹۱ هیأت ناظر سازمان ملل متحد در عراق و کویت UNIKOM (نظارت بر انجام هرگونه عمل خصمانه از سوی دو طرف مخاصمه و گزارش نقض آتش بس).

۱۹۹۱ مأموریت تحقیق ملل متحد در آنگولا UNAVEM II (کنترل اجرای آتش بس، کمک به طرفین مخاصمه در اعاده صلح به آنگولا).
مأموریت نظارت بر حقوق بشر ملل متحد در گواتمالا MINUGUA.
مأموریت ملل متحد در هایتی UNMIH (نظارت بر اجرای توافقنامه جامع صلح میان جناحهای رقیب داخلی).
مأموریت غیر نظامی بین‌المللی در هایتی MICIVIH.

۱۹۹۱ مأموریت ناظران ملل متحد در السالوادور ONUSAL (نظارت بر رعایت حقوق بشر در السالوادور، رسیدگی به موارد ادعایی نقض حقوق بشر و ارائه توصیه در این مورد).
گروه ناظران ملل متحد برای نظارت بر انتخابات هایتی ONUVEH.

- ۱۹۹۱ ماموریت ملل متحد برای برگزاری رفراندوم در صحرای غربی MINURSO (برگزاری رفراندوم برای تعیین سرنوشت مردم صحرا).
 عملیات ملل متحد در سومالی I UNOSOM (نظارت بر آتش بس میان جناحهای رقیب در سومالی).
- ۱۹۹۲ عملیات ملل متحد در موزامبیک ONUZOM (نظارت بر اجرای توافقنامه جامع صلح میان جناحهای رقیب داخلی، پاکسازی زمین).
 ماموریت ناظران ملل متحد در آفریقای جنوبی UNOMSA.
 ماموریت ناظران ملل متحد برای تایید رفراندوم در اریتره UNOVER.
 ماموریت ناظران ملل متحد در اوگاندا و رواندا UNOMUR (نظارت بر اجرای تعهد جنبش شورشی رواندا به عدم دریافت سلاح از اوگاندا).
- ۱۹۹۲ نیروی حمایتی ملل متحد در یوگسلاوی سابق UNPROFOR (اقدام به عنوان حائل میان جناحهای متخاصم در کرواسی و تحویل کمکهای بشردوستانه به غیر نظامیان در بوسنی).
- ۱۹۹۲ اداره موقت ملل متحد در کامبوج UNTAC.
- ۱۹۹۳ عملیات ملل متحد در سومالی II UNOSOM (ارسال کمکهای بشردوستانه).
- ۱۹۹۳ ماموریت کمک ملل متحد به رواندا UNAMIR (ارسال کمکهای بشردوستانه پس از شکست توافق صلح رواندا).
- ۱۹۹۳ مأموریت ناظران ملل متحد در گرجستان UNOMIG (نظارت بر آتش بس میان نیروهای دولتی گرجستان و جدایی طلبان ابخازی).

مأموریت پیشرفته ملل متحد در کامبوج UNAMIC.

۱۹۹۴ مأموریت ملل متحد در تاجیکستان UNMOT (کمک به نظارت در اجرای توافقنامه آتش بس موقت بین طرفهای درگیر).

۱۹۹۵ نیروی استقرار پیشگیرانه ملل متحد UNPREDEP (نظارت بر نواحی مرزی جمهوری مقدونیه برای جلوگیری از گسترش مناقشه یوگسلاوی به این جمهوری).

۱۹۹۵ مأموریت راستی آزمایی ملل متحد در آنگولا UNAVEM III (کمک به آشتی ملی و اعاده صلح، نظارت بر آتش بس، جداسازی نیروها و خلع سلاح غیر نظامیان)

۱۹۹۵ مأموریت احیای اعتماد ملل متحد UNCRO (تسهیل اجرای توافقنامه‌های اقتصادی و آتش بس میان دولت کرواسی و مقامات محلی صرب).

۱۹۹۵ مأموریت ملل متحد در بوسنی و هرزگوین UNMIBH (نظارت و تسهیل فعالیتهای اجرای قانون، آموزش و کمک به ماموران اجرای قانون).

۱۹۹۵ مأموریت ناظران ملل متحد در پرولاکا (کرواسی) UNMOP (نظارت بر غیر نظامی کردن شبه جزیره پرولاکا).

۱۹۹۶ اداره موقت ملل متحد در اسلوونی شرقی UNTAES.

۱۹۹۶ مأموریت کمک ملل متحد در هایتی UNSMIH (کمک به دولت هایتی در حفظ فضایی با ثبات و مطمئن).

۱۹۹۷ مأموریت پلیس غیر نظامی ملل متحد در هایتی MIPONUH (کمک به دولت هایتی از طریق حرفه‌ای کردن پلیس آن کشور).

۱۹۹۷ مأموریت ناظران ملل متحد در آنگولا MONUA (کمک به طرفهای آنگولایی در تحکیم صلح و آشتی ملی، ارتقاء اعتماد سازی).

۱۹۹۷ مأموریت موقت ملل متحد در هایتی UNTMIH (کمک به دولت هایتی از طریق حمایت و حرفه‌ای کردن پلیس این کشور).

۱۹۹۸ مأموریت ملل متحد در جمهوری آفریقای مرکزی MINURCA (کمک به حفظ و افزایش امنیت وثبات در بنگویی، نظارت و کنترل بر خلع سلاح و تخریب آنها و کمک به برنامه آموزش پلیس).

۱۹۹۸ گروه کمک پلیس غیر نظامی ملل متحد UNPSG (نظارت بر فعالیت پلیس کرواسی در منطقه دانوب).

۱۹۹۹ مأموریت اداره موقت ملل متحد در کوزوو UNMIK.
مأموریت ملل متحد در سیرالئون UNAMSIL.
مأموریت اداره انتقالی ملل متحد در تیمور شرقی UNTAET.
مأموریت ناظران ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو MONUC.

۲۰۰۰ مأموریت ملل متحد در اتیوپی و اریتره UNMEE.

۲۰۰۲ مأموریت کمک ملل متحد در تیمور شرقی UNMISSET.

۲۰۰۳ مأموریت ناظران ملل متحد در لیبیا UNOMIL (نظارت بر اجرای توافقنامه

جامع صلح میان جناحهای رقیب داخلی).

۲۰۰۴ عملیات ملل متحد در ساحل عاج UNOCI (نظارت بر آتش بس و تحرکات گروههای مسلح، بازگرداندن شبه نظامیان به جامعه).

۲۰۰۴ عملیات ملل متحد در برون دی ONUB (تضمین موافقتنامه آتش بس، ایجاد اعتماد میان طرفین، خلع سلاح و ایجاد شرایط مناسب برای ارائه کمکهای بشردوستانه).

۲۰۰۴ مأموریت ایجاد ثبات ملل متحد در هاییتی MINUSTAH (تضمین فضای مطمئن، حمایت از فرآیند سیاسی و قانونی و گسترش اقتدار دولت در سراسر کشور).

به عنوان مثال UNTAG علاوه بر یک سری فعالیتهای نظامی در نامیبیا، دارای یک سلسله وظایف سیاسی نیز همچون حذف قوانین تبعیض آمیز، عفو و آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدیان، بازگرداندن پناهندگان به نامیبیا به منظور شرکت در انتخابات و تصمیم گیری درخصوص سرنوشت سیاسی این کشور و نظارت بر انتخابات بود. UNTAC در کامبوج یک سری وظایف سیاسی نظیر برگزاری انتخابات بازگرداندن پناهندگان و تبعیدیان داشت.^(۳۴) انجام چنین وظایفی ایجاب می کرد که در ترکیب این نیروها هم تغییراتی صورت گیرد و از کارشناسان خبره در حوزه هایی که به تازگی وارد گستره فعالیتهای عملیات حفظ صلح شده بودند نظیر کارشناسان انتخاباتی، حقوق بشری، آموزشی و اقتصادی استفاده گردد. چنانچه در نامیبیا علاوه بر پرسنل نظامی، بیش از ۲۰۰۰ نفر نیروی غیر نظامی برای انجام این فعالیتها به این کشور اعزام شدند. در تیمور شرقی حافظان صلح UN به عنوان اداره کنندگان محلی موقت عمل کردند یعنی

۳۴- شایگان، فریده، عملیات حفظ صلح...، صص ۲۵۵-۲۴۱.

علاوه بر نظارت بر انتخابات، باید کل سیستم اجتماعی فرو ریخته را ترمیم می‌کردند.^(۳۵) پس مشاهده می‌شود که حفظ صلح در طول موجودیت خود در عرصه بین‌المللی به مقتضای وضعیت و متناسب با زمان و مکان حیطه‌ای وسیعتر یافته است و از شکل ابتدایی خود که متشکل بود از تعدادی ناظر نظامی بدون قدرت اجرایی برای نظارت بر آتش‌بس در مرز بین دو کشور و کمک به ایجاد فضایی برای انجام مذاکرات منتهی به صلح، به نیرویی با ترکیب وسیعتر نظامی و غیر نظامی و مأموریتهای کاملاً غیر نظامی بدل شده است.

نسل دوم مأموریتهای حفظ صلح

پایان جنگ سرد و تغییر ماهیت مخاصمات از مخاصمات بین‌المللی به مخاصمات عمدتاً داخلی موجب شد که در اقدامات مربوط به حفظ صلح نیز تغییراتی صورت گیرد و مأموریتهایی انجام شود که برخلاف مأموریتهای حفظ صلح نسل اول منحصرأ نظامی نبود، بلکه اختیارات و ترکیبی عمدتاً غیر نظامی داشت و هدف از آن کمک به دولت یا گروههایی از دولتها در اجرای یک راه حل سیاسی مورد توافق در مورد یک مخاصمه داخلی یا بین‌المللی بود.^(۳۶) برخلاف مأموریتهای نسل اول که معمولاً بعد از آتش‌بس و قبل از حل و فصل نهایی مخاصمه در محل مستقر می‌شدند تا بستر مناسبی برای مذاکرات پدید آید، عملیات حفظ صلح نسل دوم پس از موفقیت مذاکرات صلح و انعقاد موافقتنامه منعقد آغاز می‌شود و مأموریت آن کمک به طرفین مناقشه برای اجرای توافقات فیما بین است. توافقاتی که علاوه بر ترتیبات نظامی، طیف وسیعی از امور غیر نظامی همچون نظارت بر آتش‌بس، انهدام سلاحها، مین زدایی، کمک به بازگشت پناهندگان، ارائه کمکهای بشردوستانه، تحقیق در مورد رعایت حقوق بشر و سازماندهی

35- Azimi, Nasrin and Lilin. Change(ed), the Nexus between peacekeeping and peacebuilding, debriefing and lessons. Report of the 1999 Singapour Conference, The UN Institute for Training and Research. Kluwer Law International 2003. p. 12.

36- Ratner, Steven. R., Op.cit. pp. 22-23.

و نظارت بر اجرای انتخابات را در بر می گیرد.^(۳۷)

بیشتر، از این موضوع سخن گفتیم که دیوار میان نسلهای حفاظت از صلح غیر قابل نفوذ و پولادین نیست و ممکن است مأموریتی با ویژگی نسل اول در طول زمان به مأموریتی با ویژگی نسل دوم بدل شود. به عنوان مثال UNPROFOR ابتدا به عنوان حائل میان گروههای درگیر در کرواسی (نسل اول) تشکیل شد اما بعدها اختیارات غیر سنتی همچون ارسال کمکهای بشردوستانه در بوسنی و هرزگوین، تضمین امنیت فرودگاه سارایوو، جلوگیری از حمله به شهرهایی که در قطعنامه ۸۲۴ شورا «مناطق امن» نامیده شده بودند و پیشگیری از گسترش مخاصمه به مقدونیه نیز بدان افزوده شد و در ۱۹۹۳ نیز شورای امنیت بخشی از کار خویش در اجرای صلح را به این نیرو واگذار کرد.^(۳۸)

UNOSOM I در سوماتالی به عنوان نسل اول حفظ صلح ایجاد شد اما پس از آنکه مأموریت ارسال کمکهای بشردوستانه به رهبری آمریکا در مارس ۱۹۹۳ به سازمان سپرده شد به UNOSOM II اجازه داده شد برای خلع سلاح گروههای رقیب سومالیایی و برقراری نظم و قانون به زور متوسل شود و به گروههای رقیب برای اجرای توافقاتی که در مارس و ژانویه ۱۹۹۳ در آدیس آبابا برای آشتی ملی حاصل شده بود کمک کند.^(۳۹) در ۵ ژوئن ۱۹۹۳ دسته‌ای از نیروهای حافظ صلح به هنگام بازرسی یک انبار تسلیحات متعلق به جناح آقای فرح عیدید مورد شیخون قرار گرفت و ۱۸ تن از آنان کشته شدند. شورای امنیت به موجب قطعنامه ۸۲۷ به دبیرکل اجازه داد که تمامی تدابیر لازم برای برخورد با مسئولین این حمله مسلحانه را به کار بندد و اینگونه نیروهای حافظ صلح ملل متحد به یکی از جناحهای درگیر در سوماتالی بدل شدند و این عدول از اصل بی طرفی و عدم توسل به زور بود که بر فعالیتهای این نیروها حاکم است. همچنانکه عدول از اصل رضایت نیز پذیرفته شد. آقای کوفی عنان، معاون وقت دبیرکل در عملیات حفظ صلح در ۱۹۹۴ نوشت که نگرانیهای بشردوستانه موجب شده که

۳۷- احمدی، کورش، پیشین، صص ۸۴-۸۵

۳۸- این عملیات بزرگترین عملیات حفظ صلح ملل متحد بود و در آن بیش از ۳۴۰۰۰ سرباز به کار گرفته شدند.
۳۹- Ratner. Steven. R, op.cit., p. 20.

اصل رضایت طرفین کنار گذاشته شود که البته این امر معلول تغییر در نوع مخاصمات است.^(۴۰) در مورد UNPROFOR به علت تداوم شدید جنگ میان طرفین، شورا از روی ضرورت و بدون جلب رضایت طرفین، عملیات مذکور را تشکیل داد.^(۴۱)

ایجاد صلح^(۴۲)

ایجاد صلح را استفاده از ابزارهای دیپلماتیک برای متقاعد کردن طرفین یک مخاصمه جهت توقف مخاصمات و مذاکره برای نیل به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات می‌گویند. به نظر پطروس غالی دبیرکل اسبق ملل متحد، ایجاد صلح اقدامی است که هدف از آن ایجاد توافق میان طرفین مخاصمه از طرق مندرج در فصل ششم منشور است. این اقدامات می‌تواند شامل توصیه شورای امنیت برای حل یک اختلاف یا درخواست میانجیگری دبیرکل باشد. دبیرکل می‌تواند برای تشویق مذاکرات، به ابتکارات دیپلماتیک دست زند و شخصاً یا از طریق اعزام نمایندگان ویژه و یا دیپلماسی پیشگیرانه^(۴۳) اقدام کند. در این خصوص می‌توان به دیدار دبیرکل ملل متحد آقای کوفی عنان از عراق در ۱۹۹۸ پس از گفتگو با اعضای شورا اشاره کرد که موجب حل و فصل اختلاف با عراق بر سر بازرسیهای مربوط به سلاحهای کشتار جمعی این کشور شد که در غیر اینصورت این تهدید وجود داشت که مخاصمات با آن کشور مجدداً شروع شود.

دیپلماسی پیشگیرانه نیز به آن دسته اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از وقوع اختلافات انجام می‌شود یا اینکه آن اختلافات را پیش از آنکه به مخاصمه فعال تبدیل شوند حل و فصل کرده و یا محدوده این نوع مخاصمات را در صورت وقوع محدود کنند.

اقدام سازمان در جمهوری مقدونیه، نمونه موفقیت آمیز «استقرار پیشگیرانه» این

40- Zwanenburg. Marten, op.cit., pp. 19-21.

۴۱- احمدی، کوروش، پیشین؛ ص ۱۱.

42- Peacemaking.

43- Preventive Diplomacy.

نیروها بود. این جمهوری به دلیل نگرانی از فروغلتیدن در مناقشه موجود در یوگسلاوی، در سال ۱۹۹۲ از سازمان درخواست کرد که ناظران سازمان در مرز این کشور با یوگسلاوی و آلبانی مستقر شوند. شورای امنیت با این درخواست موافقت کرد و یک یگان ۱۱۰۰ نفری نیروی استقرار پیشگیرانه را به این کشور اعزام کرد. این نیروها بر تحولات مرزی که ممکن است تمامیت سرزمین این کشور و ثبات آن را مورد تهدید قرار دهد نظارت می‌کردند.^(۴۴)

برنامه‌ای برای صلح

در اجلاس فوق العاده شورای امنیت مرکب از سران دولتها در ۱۹۹۲، از دبیرکل ملل متحد درخواست شد توصیه‌هایی برای تقویت توانایی سازمان در دیپلماسی پیشگیرانه، حفظ صلح و ایجاد صلح ارائه دهد. دبیرکل وقت آقای دکتر پطروس گالی در همان سال پیشنهادهایی را در قالب گزارشی تحت عنوان «برنامه‌ای برای صلح: دیپلماسی پیشگیرانه، حفظ صلح و ایجاد صلح»^(۴۵) ارائه داد. این پیشنهادها عبارت بودند از ایجاد یک سیستم هشدار سریع^(۴۶) برای ارزیابی تهدیدات احتمالی، استقرار پیشگیرانه نیروهای ملل متحد در منطقه‌ای که احتمال می‌رود در آنجا مخاصمه‌ای رخ دهد، ایجاد واحدهای اجرای صلح^(۴۷) طبق ماده ۴۰ منشور در مواردی که حفظ آتش ممکن است از مأموریت صلح‌بانی فراتر رود و افزایش نقش سازمانهای منطقه‌ای در دیپلماسی پیشگیرانه. این پیشنهادها در سال ۱۹۹۵ با یک متمم^(۴۸) تکمیل و تنقیح شد. متمم مزبور نشانگر بازگشت مجدد او به اصول پذیرفته شده قبلی بود زیرا که او پیشتر در برنامه‌ای برای صلح پذیرفته بود که اصول رضایت و عدم توسل به زور جز در دفاع مشروع قابل عدولند. او در این متمم اظهار داشت که عملیات حفظ صلح سازمان بایستی

44- Basic facts about the United Nations, United Nation Publication, 1998, p. 70.

45- Agenda for Peace: Preventive Diplomacy, Peacekeeping and Peacemaking.

46- Early warning system.

47- Peace Enforcement Units.

48- Supplement to Agenda for Peace.

به اصول رضایت، بی طرفی و عدم توسل به زور جز در دفاع مشروع احترام گذارند و حفظ صلح و اجرای آن نمی توانند با یکدیگر مخلوط شوند. زیرا منطق حفظ صلح ناشی از یک دسته فرضیات سیاسی و نظامی کاملاً متفاوت با فرضیات مبنای اقدامات اجرایی است. از این رو عملیات حفظ صلح سازمان از ۱۹۹۸ به بعد عمدتاً مبتنی بر اصول نسل اول حفظ صلح بود، نظیر مأموریت ملل متحد برای اریتره و اتیوپی^(۴۹) که وظیفه آن نظارت بر توقف مخاصمات با رضایت طرفین بود یا مأموریت ملل متحد در سیرالئون^(۵۰) و مأموریت ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو^(۵۱) که قدرت اجرایی محدودی داشت.

هیأت فعالیتهای حفظ صلح ملل متحد^(۵۲) در سال ۲۰۰۰ طی گزارشی در مورد فعالیتهای سازمان در زمینه صلح و امنیت براین نکته تاکید کرد که اصول رضایت طرفین، بی طرفی و عدم توسل به زور جز در دفاع مشروع همچنان از اصول اساسی حفظ صلح تلقی شوند در عین آنکه این معیارها ممکن است در عمل تغییر یافته یا محدود شوند. اگرچه هیأت مزبور توصیه کرد که بایستی به نیروهای عملیات حفظ صلح اجازه مداخله داده شود تا بتوانند همچون یک تهدید بازدارنده عمل کنند و نه اینکه نمادین بوده و حضوری بی اهمیت داشته باشند.^(۵۳)

ایجاد صلح مستلزم مذاکره و میانجیگری در سطح کلان میان طرفین اختلاف بوده، به موازات حفظ صلح^(۵۴) در جریان است. عملیات حفظ صلح هنگامی آغاز می شود که مخاصمات آغاز شده است و مقید به یک دوره زمانی است و در نتیجه، امری غیر دائمی و موقت است. هدف از عملیات حفظ صلح حائل شدن میان نیروهای درگیر و پدید آوردن فضای مناسبی است تا از طریق مذاکره، صلح دائمی و پایدار پدید آید.^(۵۵)

49- UNMEE.

50- UNAMSIL.

51- MONUC.

52- Panel on UN Peace Operation or Brahimi Report.

53- Zwanenburg, Marten, op.cit., pp. 21-29.

۵۴- عملیات حفظ صلح قبرس بهترین نمونه این دو فرآیند در موازات هم است.

۵۵- نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، کلاه آبی ها، ترجمه علی میرسعید قاضی، نشر قومس، صص ۲۶-۲۵.

تحکیم صلح^(۵۶)

تاکنون از دو مفهوم حفظ صلح و ایجاد صلح سخن گفتیم. دیدیم که عملیات نوع اول موجبات استقرار نیروهای نظامی یا ناظران را به عنوان حائل میان طرفهای درگیر مخاصمات داخلی یا بین‌المللی فراهم می‌آورد تا فضایی ایجاد شود که در آن بزرگ راه حل صلح میان آنها توافق شود. همچنین عملیات نوع دوم در برگیرنده اقداماتی است که هدف از آن ایجاد توافق میان طرفین یک مخاصمه از طرق مندرج در فصل ششم منشور است. حال اگر واقعاً مخاصمات میان دو دولت یا یک مخاصمه داخلی متوقف شود و پس از آن توافق صلحی نیز منعقد شود و در مورد مخاصمات داخلی، پس از پایان درگیریها انتخابات آزاد نیز برگزار شود آیا می‌توان هنوز به طور قاطع از برقراری صلح پایدار سخن گفت؟ واقعیت این است که پاسخ به این سؤال منفی است. زیرا ممکن است توافق صلح منعقد شود، انتخابات آزاد هم برگزار شود اما چند سال بعد مناقشات به دلایل متعدد از سر گرفته شود نظیر اینکه در بعضی موارد برخی جناحهای درگیر از ابتدا مشغول برنامه ریزی برای شروع حمله‌ای تازه‌اند و از فرصت متارکه جنگ برای تجدید قوا استفاده می‌کنند. در مواقع دیگر هم هنگامی که طرفین بخواهند اختلافات خود را با مسالمت حل و فصل کنند ممکن است امکان و توانایی این کار را نداشته باشند.^(۵۷) دلیل دیگر از ماهیت عملیات پیشین سازمان در زمینه حراست از صلح در چارچوب حفظ صلح و ایجاد صلح نشأت می‌گیرد. در چارچوب این دو مفهوم و بویژه مفهوم نخست که بیشتر به حفظ وضع موجود نظر دارد به ریشه‌ها و دلایل شکل‌گیری یک اختلاف یا مخاصمه توجه چندانی نمی‌شود حال آنکه صلح دائمی و پایدار مستلزم شناخت و درمان مشکلاتی است که موجب وقوع یک مخاصمه شده‌اند. صلح دائمی و پایدار

56- Peacebuilding

عده‌ای کلمه «صلح سازی» را معادل این عبارت قرار داده‌اند، منتهی نظر به عدم صحت این عبارت از نظر فارسی، نویسنده واژه «تحکیم صلح» را به کار می‌برد که صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۵۷- کمک به ملتها برای برخورداری از صلح پس از مناقشه، دفتر حمایت از برقراری صلح سازمان ملل، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران، جلد اول، مرداد ۱۳۸۲، ص ۱

مستلزم توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی، ایجاد و توسعه دموکراسی، خلع سلاح و احترام به حقوق بشر است. از این رو پس از توقف مخاصمات و انعقاد قرارداد صلح، باید اقداماتی در جهت «تحکیم صلح» انجام گیرد.^(۵۸)

دبیرکل اسبق ملل متحد در برنامه‌ای برای صلح خویش، تحکیم صلح را تلاشهایی می‌داند که به منظور شناسایی و حمایت از ساختارهایی انجام می‌شود که به تحکیم و تقویت صلح منجر شده و حسی از اعتماد و رفاه در میان مردم ایجاد می‌کند و مانع از فروغلتیدن مجدد آنها در مخاصمه می‌شود. درجای دیگری او تحکیم صلح را ایجاد پیوند میان دولتهای درگیر برای نیل به منافع متقابل^(۵۹) یا بازسازی نهادها و زیرساختهایی می‌داند که بر اثر جنگ داخلی از هم گسیخته‌اند.

وی در گزارش خویش دربخشی تحت عنوان «تحکیم صلح پس از پایان مخاصمات مسلحانه» تحکیم صلح را به دو دسته تحکیم صلح پس از مخاصمات مسلحانه داخلی و تحکیم صلح پس از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تقسیم می‌کند. خلع سلاح نیروهای رقیب، اعاده نظم و جمع‌آوری و نابودسازی سلاحها، بازگشت پناهندگان، آموزش نیروهای امنیتی، نظارت بر اجرای انتخابات، اصلاح و تقویت نهادهای حکومتی و فراهم آوردن مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی از اقدامات صلح‌سازی پس از مخاصمات داخلی است. اجرای طرحهای مشترک پس از پایان مخاصمات بین‌المللی که با همکاری دو یا چند دولت اجرا می‌شوند و هدف از آنها پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دول درگیر است، نظیر پروژه‌های مشترک کشاورزی، حمل و نقل و بهره‌برداری از منابع مشترک و از میان برداشتن موانع موجود بر اثر گسترش روابط نظیر رفع موانع مسافرت اتباع و تبادل هیأت‌های علمی و فرهنگی و جمع‌آوری مین‌ها از اقدامات تحکیم صلح پس از مخاصمات بین‌المللی است.^(۶۰)

ضرورت توجه ریشه‌ای به مخاصمات یعنی دلایل اصلی تهدید صلح سخن تازه‌ای

58- Basic Facts about the United Nation, 1998, op.cit, p. 2.

59- Hill and Malik, op. cit., pp. 132-139

۶۰- میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۳، صص ۲۰۷-۲۰۵

نبود و در اوج دوران فعالیتهای نسل اول نیز از آن صحبت می‌شد. در این مورد اوتانت دبیرکل اسبق ملل متحد اظهار می‌کرد که اگر اقدامی اساسی جهت حل علل و ریشه‌های درگیری صورت نگیرد مطمئناً جنگها مجدداً تکرار می‌شوند،^(۶۱) لذا کنترل مخاصمات از طریق حفظ صلح بدون برخورد با عوامل ریشه‌ای تهدید کننده صلح، همچون مسکنی است برای یک بیماری مزمن که در شرایط مساعد مجدداً بیمار را از پای می‌اندازد. نظام ملل متحد در بسیاری از حوزه‌ها از جمله حیطه حفظ صلح، واکنشی عمل کرده است و زمان زیادی نیست که به اهمیت و ارزش پیشگیری پی برده است^(۶۲) و در زمینه حفظ صلح پس از سالها، به این نتیجه رسیده است که باید تدبیری اساسی برای بقای صلح بیندیشد و به جدا کردن نیروهای متخاصم و توافق میان آنها اکتفا نکند و با احیای مجدد زیر ساختها، پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی در بلند مدت به نهادسازی، ایجاد و توسعه دموکراسی، رعایت حقوق بشر و آشتی ملی کمک کند تا کابوس جنگ دوباره تکرار نشود زیرا بررسیها نشان می‌دهند که تقریباً نیمی از کشورهایی که از مناقشه خلاصی یافته‌اند، طی ۵ سال از انعقاد توافق صلح مجدداً به دامن جنگ فروغلیده‌اند نظیر توافق صلح ۱۹۹۳ آنگولا و توافق صلح ۱۹۹۴ رواندا.

البته تاکید ما بر تحکیم صلح به معنای کنار گذاشتن مفاهیم حفظ صلح یا ایجاد صلح نیست، زیرا این سه ذاتاً به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند و این ارتباط و وابستگی، عملیات حفظ صلحی چند بعدی را می‌طلبد همچنانکه کوفی عنان دبیرکل سابق ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۹ خویش راجع به کار سازمان، این عملیات را اینگونه توصیف می‌کند: عملیاتی که بتواند همزمان چالشهای متعددی همچون حفظ آتش بس، خلع سلاح، ارسال کمکهای بشردوستانه و حمایت از حقوق بشر را پاسخ گوید ضمن آنکه زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی بلند مدت فراهم کند. جاناتان مور در مطالعه‌ای که

۶۱- شایگان، فریده، عملیات حفظ صلح...، ص ۲۴۱.

۶۲- در این مورد ر. ک. به گزارشهای متعدد دبیرکل به عنوان مثال در مورد پیشگیری از مناقشات مسلحانه که با اعداد و ارقام اثبات می‌کند که هزینه پیشگیری از مخاصمات برای UN بسیار کمتر از آن چیزی می‌بود که در عمل برای فرونشاندن درگیری و برقراری صلح صرف شده است.

راجع به حفظ صلح در کامبوج، موزامبیک و هایتی انجام داده بود در مورد این ارتباط و وابستگی به نتایجی دست یافته است:

۱- در تمامی موارد نیروهای حافظ صلح در حمایت از تحکیم صلح نقش داشته‌اند و هنگامی که نیروهای امنیتی در ایجاد و برقراری امنیت موفق نبودند، تحکیم صلح نیز موفق نبوده است.

۲- هنگامی که نیروی حافظ صلح در فعالیتهای تحکیم صلح همچون تعمیر زیرساختها، پلها، مدارس، بیمارستانها، جمع‌آوری مین و خلع سلاح مشارکت می‌کنند بسیار سودمندند.

۳- اعلام خروج زود هنگام نیروهای حافظ صلح و دربرخی موارد تحقق این امر مانع فعالیتهای تحکیم صلح شده است زیرا این موضوع جوی از عدم امنیت را به دنبال دارد.^(۶۳)

از سوی دیگر تحکیم صلح مستلزم آن است که پس از طی دو مرحله حفظ صلح و ایجاد صلح حداقل فضای آرامی پدید آمده باشد و یک سری اقدامات مقدماتی انجام شده باشد همچنانکه پطروس غالی به فهرستی از اقدامات نیروهای حافظ صلح اشاره می‌کند که به تحکیم صلح می‌انجامد نظیر برقراری توافق برای پایان مخاصمه، خلع سلاح جناحهای رقیب، تخریب سلاحها، بازگرداندن آوارگان، آموزش پرسنل امنیتی.^(۶۴)

هیأت عالیرتبه دبیرکل در مورد تهدیدات، چالشها و تغییرات

آقای کوفی عنان، دبیرکل سابق ملل متحد در سخنرانی خویش در مجمع عمومی، در سپتامبر ۲۰۰۳ به این مطلب اشاره کرد که سازمان ملل متحد در نقطه حساسی قرار گرفته است و درخصوص تهدیدهای پیش روی جامعه بین‌المللی و مطلوبیت استفاده از زور برای پاسخ به این تهدیدات میان اعضای آن اتفاق نظر وجود ندارد. وی سپس اعلام

63- Moore, Janathano "Peacekeeping from a Peacebuilding Perspective" in Azimi. Nasrin and Lilin. Change (ed), Op. cit., pp. 74-75.

64- Hill and Malik, op.cit, p. 134.

کرد که هیأت عالیرتبه‌ای را برای تهیه گزارشی راجع به این تهدیدات و شیوه‌های برخورد با آن منصوب کرده است تا ضمن ارزیابی این تهدیدات این مطلب را نیز مورد مطالعه قرار دهند که سیاستها و نهادهای موجود ما در پاسخ به این تهدیدات چگونه عمل کرده‌اند و مقرر کرد تا توصیه‌هایی برای تقویت سازمان ملل متحد به گونه‌ای که تضمین‌کننده امنیت جمعی برای همگان در قرن بیست و یکم باشد ارائه دهند.

هیأت مزبور در گزارش خویش هرگونه واقعه یا فرآیندی را که به مرگ گسترده یا کاهش شانس حیات و تهدید دولتها به عنوان واحدهای اساسی نظام بین‌المللی بینجامد، یک تهدید بین‌المللی می‌داند. از نظر آن هیأت، اکنون ۶ دسته از این تهدیدات وجود دارند که اکنون و در دهه‌های آینده بایستی با آنها برخورد کرد:

۱- تهدیدات اجتماعی، اقتصادی همچون فقر، بیماریهای واگیر و آلودگیهای

محیط زیستی؛

۲- مخاصمات بین دولتها؛

۳- مخاصمات داخلی همچون جنگ داخلی، نسل‌کشی؛

۴- تولید و گسترش سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای؛

۵- تروریسم؛

۶- جرایم سازمان یافته؛

هیأت مزبور در خصوص ویژگی این تهدیدات می‌افزاید این تهدیدها به هم مرتبطند و تهدید به یکی، می‌تواند تهدید به همه آنها تلقی شود. یک حمله تروریستی در یک کشور توسعه یافته می‌تواند تأثیرات بسیار نامطلوبی بر رفاه و زندگی افراد در کشورهای در حال توسعه بگذارد همچنانکه بررسیهای بانک جهانی نشان می‌دهد که حملات ۱۱ سپتامبر به تنهایی موجب شده که ۱۰ میلیون نفر بر تعداد فقرای جهان افزوده شود. فقر، بیماریهای مسری، آلودگیهای محیط زیست و جنگ، در چرخه‌ای مرگبار یکدیگر را تقویت می‌کنند. فساد، تجارت غیرقانونی و پولشویی به ضعف دولتی، عقب ماندگی اقتصادی و تهدید دموکراسی می‌انجامد.^(۶۵)

65- Report of High Panel on Threats, Challenges and Changes(A/59/565) Paras. 17-23.

نهایتاً این هیأت در بخش دیگری از این گزارش، پس از توضیح فعالیتهای ملل متحد در زمینه حفظ صلح، تأسیس کمیسیونی به نام کمیسیون تحکیم صلح را توصیه می‌کند.^(۶۶)

در آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان

در سال ۲۰۰۵ دبیرکل طی گزارشی دیگر تحت عنوان در «آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همگان»^{۶۷} بر این نکته تأکید کرد که سه عنصر توسعه، حقوق بشر و امنیت با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و فقدان هر یک بر دیگری تأثیر منفی خواهد گذارد. این گزارش همچون گزارش پیش‌گفته ضمن بر شمردن تهدیداتی که جامعه بین‌المللی با آن روبروست توصیه‌هایی را برای برخورد با آنها ارائه می‌دهد. در زمینه مورد بحث و در تشریح فعالیتهای ملل متحد در زمینه حفظ صلح، دبیرکل به مفهوم تحکیم صلح اشاره می‌کند و می‌گوید اگر ما بخواهیم از مخاصمات جلوگیری کنیم نخست باید تضمین کنیم که توافقات صلح به گونه‌ای پایدار و مستمر اجرا می‌گردند و از آنجایی که نظام ملل متحد با این خلاء مواجه است که هیچ رکنی وجود ندارد که به گونه‌ای موثر به کشورهای که در حال انتقال از جنگ به صلح هستند کمک کند، تأسیس کمیسیون تحکیم صلح و یک دفتر حمایت از صلح درون دبیرخانه برای نیل به این هدف موثر است.

به اعتقاد دبیرکل، کمیسیون مزبور می‌تواند فعالیتهای ذیل را انجام دهد:

بلافاصله پس از توقف جنگ، برنامه ریزی ملل متحد برای ایجاد و احیای نهادهای لازم را بهبود بخشد. تأمین مالی قابل پیش‌بینی برای فعالیتهای اولیه بهبود برون رفت از وضعیت مخاصمه را تضمین کند. هماهنگی فعالیتهای پس از توقف مخاصمه که از سوی آژانسها، برنامه‌ها و صندوقهای ملل متحد انجام می‌شوند را بهبود بخشد، مکانی را ایجاد کند که در آن ملل متحد، کمک‌دهندگان اصلی مالی و نیروی انسانی، سازمانها و بازیگران منطقه‌ای ذیربط، نهادهای ملی بین‌المللی و دولت انتقالی ذیربط بتوانند به

66- Ibid, Para. 263.

مبادله اطلاعات درخصوص استراتژیهای بهبود اقدام کنند و به صورت دوره‌ای پیشرفتهای حاصله در اهداف و اقدامات را بررسی کنند.^(۶۷)

اخلاس ۲۰۰۵ سران ملل متحد

در شصتمین اجلاس ملل متحد، رهبران دولتهای عضو سازمان با اعلام ایمان مجدد خویش به ملل متحد و اصول و اهداف مندرج در منشور و متعاقب گزارشهای پیشین دبیرکل و اذعان به اینکه صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر ستونهای نظام ملل متحد و بنیانهای رفاه و امنیت جمعی هستند، بعضی پیشنهادهای مندرج در گزارشهای مزبور را پذیرفتند. یکی از آن پیشنهادها، تأسیس کمیسیون تحکیم صلح بود که مورد موافقت سران دولتها نیز قرار گرفت. آنها با تأکید بر نیاز به رویکردی یکپارچه، منسجم و هماهنگ نسبت به تحکیم صلح پس از توقف مخاصمات برای نیل به صلح پایدار و ضرورت وجود مکانیسمی نهادین برای پاسخگویی به نیازهای کشورهای رهایی یافته از مخاصمات برای برون رفت از وضعیت مخاصماتی، بازسازی و بنا نهادن بنیانهای توسعه پایدار و نقش حیاتی سازمان در این رابطه، تأسیس یک کمیسیون تحکیم صلح به عنوان یک مرجع مشورتی بین‌المللی را پذیرفتند. به اعتقاد آنها مهمترین هدف از تأسیس کمیسیون مزبور، گرد هم آوردن تمامی بازیگران ذی‌ربط برای بسیج منابع و توصیه و پیشهاد استراتژیهای یکپارچه برای تحکیم صلح پس از توقف مخاصمات است و کمیسیون باید بر بازسازی و نهادسازی تمرکز کند.^(۶۸)

کمیسیون تحکیم صلح^(۶۹)

اما مهمترین گام سازمان ملل متحد در زمینه حفظ صلح بویژه با رویکرد توجه به

67- In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for all, Report of UN Secretary General. A/59/2005/21 March 2005. paras 114-116.

68- 2005 World Summit Outcome, General Assembly, A/60/L.1 15 September 2005, paras 97-99.

69- Peacebuilding Commission

ریشه‌های تهدید صلح، تاسیس کمیسیون بنام کمیسیون تحکیم صلح است. تاسیس این کمیسیون معلول پیشنهادهایی بود که در گزارشهای اخیر دبیرکل بویژه گزارش هیأت عالی‌رتبه در مورد تغییرات، چالشها و تهدیدات و گزارش به سوی آزادی بیشتر صورت گرفته بود و در اجلاس سران در سپتامبر ۲۰۰۵ مورد پذیرش واقع شد و به موجب قطعنامه ۶۰/۱۸۰ مورخ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵ مجمع عمومی رسماً تاسیس شد.^(۷۰) کمیسیون مزبور با ایجاد ارتباط میان تلاشهای فوری پس از ایجاد مخاصمات از یکسو و تلاشهای مرتبط به توسعه بلندمدت تلاش می‌کند خلاء موجود در نظام ملل متحد را پر کند. تا پیش از این نقش ملل متحد متوقف کردن درگیری و برقراری توافق صلح بود و مسئولیت اصلی بازسازی پس از پایان مخاصمات به عهده طرفین نهاده می‌شد. اما تغییرات در فضای بین‌المللی و ماهیت مخاصمات و طرح مفهوم «دولتهای درمانده»^(۷۱) مشارکت سازمان را در زمینه حفظ صلح بویژه از جنبه توجه به توسعه و نهادهای مقوم صلح، اجتناب‌ناپذیر می‌کرد.

کمیسیون مزبور تمامی منابع وجود و در اختیار جامعه بین‌المللی را برای تهیه و ارائه استراتژی‌های منسجم و یکپارچه در زمینه‌هایی از مناقشه، بسیج می‌کند و بر تجدید ساختار، نهادسازی و توسعه پایدار تاکید می‌کند. این کمیسیون، تجربیات و تواناییهای گسترده ملل متحد در زمینه پیشگیری از مخاصمات، میانجیگری، حفظ صلح، احترام به حقوق بشر، حکومت قانون، کمکهای بشردوستانه و توسعه بلندمدت را گرد هم می‌آورد و به‌طور مشخص اقدامات ذیل را انجام می‌دهد.

- پیشنهاد استراتژیهای یکپارچه و منسجم برای تحکیم صلح پس از وقوع

۷۰- البته شورای امنیت نیز پیشتر در ۲۰ دسامبر با قطعنامه ۱۶۴۵ به اتفاق آرا تاسیس چنین نهادی را مقرر کرده بود. از این رو می‌توان گفت که سند موسس «کمیسیون تحکیم صلح» قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت و مجمع عمومی است. در قطعنامه‌های مزبور، ایجاد کمیسیون تحکیم صلح را به مواد ۷، ۲۲ و ۲۹ منشور ملل متحد مستند کرده‌اند. مواد مزبور در خصوص ایجاد ارکان فرعی است. لذا کمیسیون تحکیم صلح رکن فرعی هر دوی مجمع عمومی و شورای امنیت تلقی می‌شود و این نخستین بار است که چنین رکنی در سازمان ملل متحد ایجاد می‌گردد. در این خصوص رک. به بیگ زاده ابراهیم، کمیسیون تحکیم صلح: ره‌آوری جدید در چارچوب اصلاح ساختاری سازمان ملل متحد، فصلنامه الهیات و حقوق، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، صص ۱۷-۱۸.

مخاصمه؛

- کمک به تضمین تأمین مالی قابل پیش‌بینی برای فعالیتهای اولیه تحکیم صلح و تداوم سرمایه‌گذاری در میان مدت و بلند مدت؛
 - افزایش و تداوم توجه جامعه بین‌المللی به فعالیتهای پس از اتمام مخاصمه؛^(۷۲)
 - کمیسیون مزبور از ۳۱ عضو و با ترکیب ذیل تشکیل شده است:
 - ۱- ۷ عضو از شورای امنیت که ۵ تن از آنها اعضای دائم شورای امنیت هستند.^(۷۳)
 - ۲- ۷ عضو از شورای اقتصادی - اجتماعی بخصوص کشورهایی که سابقاً خود درگیر مناقشه بوده‌اند.^(۷۴)
 - ۳- ۵ عضو از کشورهایی که بیشترین کمک مالی را به بودجه سازمان و برنامه‌ها، آژانسها و صندوقهای آن می‌کنند.^(۷۵)
 - ۴- ۵ عضو از ۱۰ کشوری که بیشترین نیروی نظامی را در اختیار ماموریت‌های حفظ صلح ملل متحد قرار داده‌اند.^(۷۶)
 - ۵- ۷ عضو باقیمانده با توجه به توزیع جغرافیایی از گروههای منطقه‌ای توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.^(۷۷)
- نمایندگان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و دیگر موسسات اهداکننده نیز می‌توانند به عنوان عضو ناظر در جلسات کمیسیون شرکت کنند. مدت عضویت هر عضو تا ۲ سال قابل تمدید است. کمیسیون به عنوان رکن فرعی مشورتی مجمع عمومی و شورای امنیت عمل می‌کند و به هریک از این دو رکن، شورای اقتصادی و اجتماعی، دبیرکل و هر دولت عضو در عین توجه به مقررات ماده ۱۲ منشور توصیه‌هایی را ارائه می‌دهد. توصیه‌های کمیسیون به دلیل تنوع و اهمیت اعضای آن همچون اعضای دائم شورای امنیت، کشورهای تأمین‌کننده بیشترین نیروی نظامی برای مقاصد ملل متحد و

72-www.un.org/peace/peacebuilding/FAO relating to peacebuilding.

۷۳- در حال حاضر چین، فرانسه، انگلستان ایالات متحده، روسیه، آفریقای جنوبی، پاناما

۷۴- در حال حاضر آنگولا، برزیل، جمهوری چک، گینه بیسائو، لوگزامبورک، اندونزی و سری لانکا

۷۵- در حال حاضر آلمان، نروژ، ایتالیا، ژاپن، هلند.

۷۶- در حال حاضر بنگلادش، غنا، هندوستان، پاکستان و نیجریه.

۷۷- در حال حاضر پروندی، شیلی، کرواسی، مصر، السالوادور، فیجی و جامائیکا.

اهدایکنندگان عمده کمک، از اعتبار بالایی برخوردار است. کمیسیون دارای یک کمیته سازمانی و یک کمیته کشوری است. کمیته سازمانی در مواعید منظم که پس از تشکیل کمیسیون مشخص می‌گردد، تشکیل می‌شود. کمیته سازمانی مسئول تهیه مقررات و دستور کاری کمیسیون است. جلسات کمیته‌های کشوری بویژه ملی مراحل نخستین پس از پایان مخاصمات به طور منظم‌تر برگزار می‌گردد.^(۷۸) کمیسیون بایستی گزارشهای سالانه‌ای را به مجمع عمومی ارائه دهد و رکن اخیر از طریق بررسی این گزارشها بر کار کمیسیون نظارت می‌کند. علاوه بر کمیسیون مزبور و به موجب قطعنامه ۶۰/۲۸۷ مورخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۶ صندوقی نیز تحت عنوان «صندوق صلح سازی ملل متحد»^(۷۹) تاسیس شده است. کمیسیون همچنین از حمایت یک دفتر تحکیم صلح برخوردار است که در دبیرخانه سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

پیش از پنجاه سال تلاش مستمر، نظام ملل متحد برای حفظ صلح با فراز و نشیبهای بسیاری روبرو بوده است. از UNTSO (۱۹۴۸) تا تأسیس کمیسیون تحکیم صلح (۲۰۰۵) راه درازی پیموده شده است. تحول از نیروهایی با ترکیب و اختیاراتی صرفاً یا عمدتاً نظامی با هدف حفظ وضع موجود و فراهم آوردن فضایی آرام برای مذاکرات طرفین درگیر برای کمک به برقراری توافقات صلح یا پیشگیری از بروز مخاصمه در وضعیتهایی که وقوع آن متحمل به نظر می‌رسد تا اذعان به ضرورت توجه به ریشه‌های تهدید صلح و بنای عمارت رفیع صلح همراستا با آن دسته رویکردهایی است که صلح را نه در نبود جنگ^(۸۰)، بلکه در برقراری رابطه^(۸۱) می‌دانند.

تاریخ در جریان است و حال در گذشته و آینده ؟ است لذا از نظر زمانی هیچ

۷۸- تاکنون دو کمیته کشوری در خصوصی برون‌دی و سیرالئون تشکیل شده است.

79- UN Peacebuilding Fund.

80- Negative peace

81- Positive peace

حد فاصل دقیقی برای تفکیک عملیاتی که در چارچوب این سه مفهوم انجام شده‌اند، وجود ندارد و ممکن است عملیاتی تحت عنوان حفظ صلح طبقه بندی شود اما فقط عناصری از تحکیم صلح در آن به چشم خورد. بعلاوه ورود به دوره جدید به معنای افتراق کامل از دوره قبلی نیست و نقطه آغاز هرگونه حرکت در زمینه حفظ صلح، توقف مخاصمات و ایجاد فضایی است که امکان مذاکره میان طرفین را میسر سازد اما نباید به همین بسنده کرد. تاسیس کمیسیونی به نام کمیسیون تحکیم صلح مبین درک ضرورت توجه ملل متحد به بنیانهای حفظ و تداوم صلح است.

منابع

منابع فارسی:

کتاب:

- ۱- احمدی، عباس، حقوق بشر در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
- ۲- شایگان، فریده، عملیات حفظ صلح ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات خارجه، ۱۳۷۲.
- ۳- شایگان، فریده، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۵.
- ۴- کمک به ملتها برای برخورداری از صلح پس از مناقشه، دفتر حمایت از برقراری صلح سازمان ملل، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران، ج اول، ۱۳۸۲.
- ۵- نیروهای حافظ صلح سازمان ملل: کلاه آبی‌ها، انتشارات مرکز اطلاعات ملل متحد، ترجمه علی میرسعید قاضی، نشر قومس.
- ۶- میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، موسسه چاپ

مقالات:

- ۱- احمدی، کوروش، شکل‌گیری و تکوین عملیات حفظ صلح، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷.
- ۲- بیگ زاده، ابراهیم، کمیسیون تحکیم صلح: ره‌آوردی جدید در چارچوب اصلاح ساختاری سازمان ملل متحد، فصلنامه الهیات و حقوق، مجله تخصصی دانشگاه لوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰.
- ۳- مصفا، نسرین، تحول مفهوم حفظ صلح، مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۰.

منابع لاتین:

Books:

- 1- Nasrin Azimi abd Kukub Chang(ed) The Nexus between peacekeeping and peacebuilding, debriefing and lessons. Report of the 1999 Singapour Conference, the UN Institute for Training and Research, Kluwer Law International, 2003.
- 2- Basic Facts about the United Nations: United Nations Publications, 1998.
- 3- Carter. Barry. E, Trimble. Phillip. R, Bradley. Curtis. A, International Law, Aspen Publishers, 4th ed . 2001.
- 4- Hill. Stephen. M, Malik. Shahin, Peacekeeping and the United Nations, Cambridge University Press, 1996.
- 5- Ratner. Steven. R, The New UN Peacekeeping: building peace after the cold war, Macmillan press Ltd., 1995.
- 6- Zwanenburg Marten, Accountability of peace Support Operation, Martinus Nijhoff

Publication, 2005.

Articles:

- 1- Moore; Janathan, Peacekeeping from a peacebuilding perspective, in Nasrin Azimi and Chang Lillin Supra, 1.

Documents:

- 1- Agenda for peace: Preventive Diplomacy. Peacekeeping and peace Making Secretary General Report, 1992.
- 2- In Larger Freedom: Towards Development, Security and Human Rights for all& Report of Secretary General, A/59/2005.
- 3- Report of High Panel on Threats, Challenges and Changes, A/59/565.
- 4- Supplement to Agenda for Peace.
- 5- World Summit Outcome, General Assembly. A/60/1.1, September 2005.
- 6- www.un.org/peace/peacebuilding/FAO relating to peacebuilding.